

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش مشاوره برنامه درسی در حوزه ی
رشته مطالعات برنامه درسی

The Standpoints of Regarding the Concept of Curriculum
Counseling in the Field of Curriculum Studies

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۴، تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۰/۳/۲۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۷/۱۹

 [20.1001.1.25382241.1401.13.25.6.7](https://doi.org/10.25382/241.1401.13.25.6.7)

M.T.Roodi, Dr.K.Fathi Vajargah,
Dr.M.Arefi, Dr.M.Sharifi

محمدتقی رودی^۱، دکتر کوروش فتحی واجارگاه^۲

دکتر محبوبه عارفی^۳، دکتر مسعود شریفی^۴

Abstract: Curriculum counseling is a new concept that emphasizes the improvement of learners' learning process and the achievement of the goals of curriculum. The level of application and performance of this concept depends on the degree of its acceptance by the curriculum experts. The purpose of this study was to investigate the standpoints of experts regarding the concept of curriculum counseling. For this purpose, the qualitative research approach and interview method were used. The research participants were 15 people who were selected through snow-ball method. Semi-structured interviews and document study were employed to gather the data which were analyzed through content analysis of interview. According to the research findings, the positions of experts are divided into three groups of proponents, conditional proponents, and opponents. The curriculum counseling as one of the neglected areas, the improvement of the learners' learning, and the coordination of the activities of school principals were proponents' reasons. However, conditional proponents emphasized on the precise clarification of the problem, explaining the distinction between curriculum counseling and academic counseling, and curriculum counseling as an interdisciplinary field. The lack of practical necessity and ownership of curriculum counseling activities in the area of academic counseling are the reasons for opponents.

Keywords: conceptualization, curriculum, curriculum counseling, education.

چکیده: مشاوره برنامه‌درسی مفهومی است که بر بهبود فرایند یادگیری و تحقق اهداف برنامه‌های درسی تأکید دارد. سطح کاربرد و عملکرد این مفهوم بستگی به میزان مقبولیت آن از طرف صاحب‌نظران آموزشی دارد. هدف این پژوهش بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش مشاوره برنامه‌درسی ذیل رشته مطالعات برنامه‌درسی است. بدین منظور از رویکرد کیفی پژوهش و روش مصاحبه استفاده شده است. شرکت‌کنندگان پژوهش ۱۵ نفر هستند که بر اساس رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از بررسی اسناد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برای تحلیل یافته‌ها روش تحلیل مضمونی به کار رفته است. طبق یافته‌های پژوهش مواضع صاحب‌نظران در سه گروه موافقان، موافقان مشروط و مخالفان تقسیم‌بندی می‌شود. مشاوره برنامه‌درسی بعنوان یک حوزه مغفول، کمک به ارتقای یادگیری فراگیران و هماهنگی فعالیت‌های عوامل مدرسه توسط مشاوران برنامه درسی جزو دلایل گروه موافقان می‌باشد. موافقان مشروط تبیین دقیق مسئله، تبیین تمایز بین مشاوره برنامه‌درسی و مشاوره تحصیلی و طرح مشاوره برنامه درسی به عنوان یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای را مورد توجه قرار می‌دهند. عدم وجود ضرورت عملی و متعلق بودن فعالیت‌های مشاوره برنامه درسی به قلمرو مشاوره تحصیلی نیز از دلایل مخالفان طرح مفهوم مشاوره برنامه درسی است.

کلمات کلیدی: آموزش، برنامه درسی، مشاوره برنامه درسی، مفهوم سازی.

^۱ دکتری رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) - Mohammad.roodi@yahoo.com

^۲ استاد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. kouroshfathi2@gmail.com

^۳ دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. m-arefi@sbu.ac.ir

^۴ استادیار دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. m5charif@yahoo.fr

مقدمه

نزدیک به چهل سال پیش، تریون^۱ (۱۹۷۳)، یکی از دانشمندان برتر در حوزه علم فیزیک، طی مقاله ای در مجله نیچر^۲ به موضوع عجیب و البته جالبی اشاره کرده است. او می-گوید جهان اجازه خلقت "چیزی" از "هیچ چیز" را می دهد به شرط آنکه قوانین طبیعت حاکم باشد. او نوشت "می توان از "هیچ مطلق" چیزی را خلق کرد به شرط اینکه قوانین طبیعت و قوانین فیزیک بر آن حاکم باشد و آن "چیز" تازه در راستای قوانین صحیح موجود باشد". آنچه که با قوانین و مقررات موضوعه موجود هم راستا و هماهنگ نباشد لاجرم دیری نخواهد پایید و به فراموشی سپرده خواهد شد. هر چند این سخن در حیطه ی علوم طبیعی و فیزیک بیان شده است، ولی توجه و تعمق در آن اشارات مفیدی برای علوم انسانی و بالطبع علم آموزش و برنامه درسی دارد. بشر با توجه به نیازها و ضرورت های خود اقدام به کشف، خلق، و ایجاد ابزارها، مواد، اسلوبها، روشها و مفاهیم می نماید. این ابزارها و مفاهیم و ... در صورتی می تواند مفید و کارآمد واقع شود که با قوانین بنیادی حوزه مطالعاتی مربوطه سازگار و هم راستا باشد و خرمندان یا عالمان آن حوزه مطالعاتی، به عنوان کسانی که به قوانین و اصول علمی مربوطه تسلط کامل دارند، آن مفهوم یا مضمون تازه را تصدیق نمایند. در حوزه برنامه درسی نیز وضع به همین منوال است. این رشته از دوره پیدایش خود تا حالا تغییر و تحولات بسیاری را به خود دیده است. تغییر و تحولات این حوزه در قدم اول از خلال نیازها و مسائل مربوطه در جامعه منشا گرفته اند، و سپس پاسخ های ارائه شده در جهت رفع این نیازها و مسائل در صورتی بقا یافته اند که با قوانین و اصول علمی حوزه مطالعاتی مذکور سازگاری بوده اند (انجگو،^۳ ۲۰۱۲). چه بسا ایده ها و نظریه هایی که مطرح شده ولی به دلیل عدم سازگاری آنها با نیازهای جامعه و یا اصول و قوانین علمی رشته، بقا نیافته و در طول زمان محو شده اند.

رشته ی مطالعات برنامه درسی یا با به زبان سنتی، برنامه ریزی درسی تاریخ پر افت و خیزی را به خود دیده است و در مسئله و قلمروهای مطالعاتی آن رفته رفته تغییر و تحول ایجاد شده است. به نظر می رسد هنوز هم تعریف و تحدید واحدی از حوزه ی مطالعاتی برنامه درسی در سطح جهان وجود ندارد؛ اختلاف نظر در تعریف واژه برنامه درسی و گوناگونی تعاریف ارائه شده انعکاس همین مسئله می باشد.

تولد مدرن رشته برنامه درسی با انتشار کتاب "برنامه درسی" بابیت در سال ۱۹۱۸ اتفاق افتاد. البته این بدان معنا نیست که قبل از بابیت اساسا مفهوم برنامه درسی وجود نداشت بلکه

1 . Tryon

2 Nature

3 Njogu

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

وجود داشت ولی بابت معتقد بود که برنامه درسی در آن زمان در حال موت است؛ چرا که هیچ ارتباطی با واقعیت‌های بیرون مدرسه نداشت و پاسخگوی نیازهای واقعی و عملی دانش‌آموزان نبود، لذا بابت آن را فاقد سودمندی می‌دانست. به عبارت دیگر، برنامه‌درسی مدارس همسو با نیازهای جامعه نبود و علت آن را در غیر عملی بودن این حوزه معرفتی می‌دانست (هل‌بوتش، ۲۰۰۵). بابت یک متخصص مدیریت بود و تلاش داشت الگوی مدیریت علمی را در برنامه‌درسی و آموزش نیز وارد نماید. او از ساخت برنامه‌درسی^۱ صحبت می‌کرد. او حتی از برنامه‌درسی هم به عنوان یک علم^۲ در معنای تربیتی آن یاد کرد. او وظیفه‌ی برنامه‌سازان (ریزان) درسی را شناسایی نیازها و تعیین اهداف مطلوب و دستیابی به بهترین روش تحقق این اهداف می‌داند (اسکایرو، ۲۰۰۸). در قرائت بابت از برنامه‌ریزی درسی نیازها و علائق یادگیری دانش‌آموزان مورد توجه قرار می‌گیرد ولی او این علائق و نیازها را در راستای نیازهای جامعه تفسیر و تبیین می‌کند و اصل را بر نیازهای جامعه قرار می‌دهد. او معتقد است دانش‌آموز باید بعنوان شهروند مطلوب و کارآمد برای جامعه تربیت شود (آیزنر، ۱۹۶۷). برخی دیگر از نظریه‌پردازان از جمله تایلر که شاگرد بابت بود نیز راه او را ادامه داد و الگوی منطقی برنامه‌ریزی درسی^۳ را ارائه نمود. تایلر در کتاب "برنامه‌درسی و آموزش" در بحث مربوط به هماهنگی تجربیات یادگیری یا اهداف آموزشی به موضوع توجه و تمرکز بر یادگیرنده و نیازهای او اشاره می‌کند و حتی در انتخاب این اهداف و تجربیات اصولی را ذکر می‌کند که باعث می‌شود یادگیری به صورت مطلوب‌تری در فراگیر اتفاق بیفتد. او همچنین در بحث "سازماندهی تجارب یادگیری جهت داشتن تاثیر حداکثری" (لبوویش، ۱۹۹۲)، نیازهای فراگیران و هماهنگی دیگر عناصر یادگیری در راستای بهبود یادگیری فراگیران را مورد تاکید قرار می‌دهد. ویلیام پاینار برنامه‌درسی را وارد مرحله‌ی دیگری می‌کند. او از مطالعات برنامه‌درسی^۴ و فهم برنامه‌درسی^۵ سخن می‌گوید. پاینار مطالعات برنامه‌درسی را به بسیاری از دیدگاه‌ها و اشکال جدید پژوهش پیوند می‌دهد. او در یادداشت خود در مورد وضعیت رشته مطالعات برنامه‌درسی می‌نویسد: بر خلاف اوائل دهه ۱۹۷۰، این رشته دیگر در حال مرگ نیست بلکه به طور هوشمندانه‌ای بسیار سرزنده، پیچیده و متنوع است. این رشته بیشتر از طرف محیط سیاسی خارجی خود مورد تهدید واقع می‌شود تا از طرف پیچیدگی‌های درونی خود" (پاینار، ۲۰۰۷، ص XXV). این نوع تهدیدها ناشی از جنبه‌ی سیاسی رشته‌ی برنامه‌درسی است، که توسط قدرت‌های حاکم به رسمیت شناخته شده است تا معیارهای خود را برای توسعه برنامه‌های درسی اعمال نمایند. پاینار با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های درونی رشته‌ی

Curriculum making

2. Science

3. Curriculum planning

4. Curriculum study

5. Curriculum understanding

برنامه‌درسی، تایید می‌کند که در پیروزی پست مدرنیسم بر مارکسیسم، این رشته به تخصص-های متعدد تقسیم شد:

در میان طبقه‌های تولیدات پژوهشی قبل از سال ۱۹۹۵ این موارد وجود دارند: ۱) تاریخ برنامه‌درسی؛ ۲) نظریه سیاسی در برنامه‌درسی؛ ۳) مطالعات فرهنگی؛ ۴) نظریه نژادی؛ ۵) مطالعات جنسیتی و زنان شامل نظریه کوئیر؛ ۶) مطالعات پسا استعمار؛ ۷) مطالعات برنامه-درسی یهودیان؛ ۸) مطالعات مربوط به معلولیت؛ ۹) پژوهش‌های روایتی (شامل خودشرح حال نویسی؛ ۴ خود قوم نگاری^۵، شرح حال نویسی؛ ۱۰) نظریه پیچیدگی؛ ۱۱) مطالعات محیطی؛ ۱۲) مطالعات روانکاوی؛ ۱۳) تکنولوژی (به ویژه کامپیوترها)؛ ۱۴) پژوهش‌های مبتنی بر هنر؛ ۱۴) بین‌المللی سازی (همان منبع، ص ۳۳۷). پاینار و برخی دیگر مانند مایکل اپل^۶، هنری ژيرو^۸، نل نودینگز^۹ و مادالین گرامت^{۱۰} جنبش نومفهوم پردازی^۱ در برنامه‌درسی را بنیان نهادند. نو فهم گرایان بر آنند تا به فهم بیشتر مسائل مطرح در حوزه برنامه‌درسی نائل آیند. پاینار حوزه برنامه‌درسی را به سه حیطه تقسیم کرده است. حیطه اول، حوزه سنتی برنامه‌درسی است که ویژگی آن، برنامه‌ریزی درسی و هدف آن تجویز برنامه‌درسی و یاری‌رسانی به افرادی است که در مدارس فعال هستند. حیطه دوم در حوزه برنامه‌درسی ناظر به فعالیت تجربه‌گرایان مفهومی است که تقریباً پانزده تا بیست درصد حوزه برنامه‌درسی را در اختیار داشته‌اند. این گروه با جهت‌گیری‌های نظری، روش‌شناختی و عملی علوم اجتماعی پیوند داشته و در صد کاربست آن‌ها برای پاسخگویی به سوال‌های برنامه‌درسی بوده‌اند. گروه سوم گروهی هستند که دغدغه آنان فهم برنامه‌درسی است (رینولدز، ۲۰۱۰). نگاه دقیق به یادگیرنده و فرایند یادگیری او در کلاس درس و مدرسه نیز در معرض توجه بسیاری از نظریه‌پردازان نو فهم‌گرا قرار گرفت. بسیاری از مطالعات و پژوهش‌ها نیز در همین راستا شکل گرفت. آنان به اهمیت توجه به اتفاقات درون مدرسه و کلاس‌های درس اشاره نموده‌اند و یادگیرنده، معلم و فرایند یادگیری تاکید می‌نمایند. پاینار معتقد است که "ما در دانشگاه‌ها علایق خود به معلمین و مدارس را از دست داده‌ایم، یا اینکه با موضوعاتی جذاب‌تر و هیجان‌انگیز تر اغوا شده‌ایم. شاید

1 . Race theory

2 . Queer theory

3 . Post-colonial studies

4 . Autobiographical

5 . Auto ethnographic

6 . Biographic

7 . Michael Apple

8 . Giroux

9 . Noddings

1 . Grumet 0

1 Reconceptualization 1

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

برای برخی این مسئله جذاب و یا یک دغدغه اساسی نباشد اما واقعیت این است که تاثیر کار ما استادان حوزه در ۳۰ سال گذشته کاهش یافته است و ما باید توجه بیشتری را به مربیان، یادگیرندگان و فرآیند یادگیری معطوف نماییم^۱. پاینار فاصله گرفتن مباحث حوزه برنامه‌درسی فراگیر و فرایند یادگیری او و همچنین معلم را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که پژوهشگران بایستی این موضوعات را مورد توجه و بررسی قرار دهند (پاینار، ۲۰۱۰). مفهوم مشاوره برنامه‌درسی^۲ در همین راستا مطرح می‌شود. مشاوره برنامه‌درسی در صدد است تا با ارائه کمک‌ها و مشاوره تخصصی به یادگیرندگان، معلمان، مدیران و والدین به حل مسائل و مشکلات برنامه‌های درسی در عمل کمک کند و تحقق اهداف برنامه درسی را امکان پذیر سازد. به نظر می‌رسد این موضوع در حال حاضر مورد غفلت واقع شده‌است. هر چند مطالعات انجام شده نشان دهنده آن است که این مفهوم در نیمه قرن بیستم برای اولین بار توسط فریزر^۳ (۱۹۴۸) مطرح شد که بیشتر جهت گیری مشاوره تحصیلی و آموزشی داشت و راهنمایی تحصیلی فراگیران را مورد توجه قرار داد. پس از آن و نورمن^۴ (۱۹۵۶) نیز طی مقاله ای با عنوان "به سوی توسعه کارکردهای مشاوره برنامه‌درسی"^۵ به تبیین این مفهوم پرداخت؛ هرچند تعریف جامعی از این مفهوم ارائه نکرد. به نظر می‌رسد طرح این واژه توسط فریزر (۱۹۴۸) و نورمن (۱۹۵۶) در دهه‌ی ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم، تا حد زیادی واکنشی بود به ضرورت باز تعریف سریع کارکردهای مشاوره مدرسه در سطوح مختلف تحصیلی (ویتمر^۶؛ ۲۰۰۰)، که دغدغه‌ی آن سال‌های متخصصان و پژوهشگران آموزش و یادگیری بود. مقصود از آنچه در این پژوهش با عنوان مشاوره برنامه‌درسی از آن یاد می‌شود، نه خلق واژه‌ای نو، بلکه قرائتی نو فهم گرایانه از مفهوم مشاوره برنامه درسی است؛ چرا که تمامی عناصر برنامه‌درسی و همه‌ی شرکاء، از قبیل برنامه‌ریز، فراگیر، معلم، والدین و مدیران را مخاطب قرار می‌دهد و به دنبال پیوند نظر و عمل در برنامه‌درسی است. لی^۷ و دیموک^۸ (۲۰۱۰) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اقداماتی از قبیل ارائه مشاوره به مجریان برنامه‌های درسی در مدارس در زمینه‌ی تسهیل اجرای برنامه‌های درسی و مشاوره در رابطه با عناصر برنامه‌درسی مورد غفلت واقع شده است و بایستی مورد توجه قرار گیرد. رنزولی^۸ (۲۰۱۳) گزارش می‌دهد بسیاری از فراگیران نمی‌دانند که چگونه باید مطالعه کنند و برای وظایف اساسی مانند حضور منظم در کلاس، برقراری ارتباط با اساتید خود، تکمیل تکالیف خواندن،

1. curriculum counseling

2. Frazier

3. Norman

4. Toward Improving the Function of Curriculum Consultant

5. Wittmer

6. Lee

7. Dimmock

8. Renzulli

بکارگیری مهارت‌های مطالعه، خودتنظیمی و مهارت‌های مدیریت زمان آمادگی لازم را ندارند. وی معتقد بود که این مهارت‌ها بایستی توسط یک مشاور به آنان آموزش داده شود (سارا رنزولی، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد گرایش پیش از پیش فراگیران به موسسات و مراکز غیر رسمی و گاهی غیر تخصصی آموزشی ناشی از همین موضوع است؛ به طوری که امروزه شاهد گسترش روزافزون این موسسات و مراکز آموزشی غیر رسمی در کشور هستیم. بنابراین اظهارات مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران (به نقل از خبرگزاری تابناک، ۹۳) ۸۴۵ آموزشگاه در تهران در حال فعالیت هستند و همچنین تعداد ۹۵۰ موسسه آموزشی غیر مجاز در سطح تهران فعال می‌باشند. این شرایط صرفاً ناشی از نیازهای تحقق نیافته‌ی فراگیران نیست بلکه معلمان و مربیان نیز در پیدایش این مشکلات نقش دارند. سودمی و همکاران (۱۳۹۶) گزارش می‌دهند که فقط دانش-آموزان در مدارس نیستند که نیاز به دریافت مشاوره و راهنمایی دارند بلکه معلمان هم بایستی در رابطه با اجرای درست برنامه‌های درسی، روش‌های آموزش و یادگیری، روش‌های ارزشیابی و دیگر عناصر و الزامات برنامه‌های درسی مشاوره دریافت نمایند. عدم توجه به این امر باعث می‌شود تا معلمان نتوانند آموزش موثر به یادگیرندگان ارائه نمایند و برنامه‌های درسی را به درستی اجرا کنند.

به نظر می‌رسد توجه به حوزه‌ی مشاوره برنامه درسی و تربیت مشاوران برنامه درسی با شایستگی‌ها و صلاحیت‌های لازم می‌تواند در بهبود فرایند یاددهی-یادگیری و اجرای اثربخش برنامه‌های درسی نقش به‌سزایی را ایفا نماید. مکنداویر^۱ (۲۰۱۰) در رابطه با بهبود اجرای برنامه‌های درسی راهکارهایی از قبیل تعریف دقیق نقش متخصصان آموزشی و استفاده از ظرفیت‌های آنها و استفاده از مشاوران برنامه‌درسی در سطح نظام آموزشی را پیشنهاد می‌دهد. در تعریف مشاوره برنامه درسی گفته می‌شود فرایندی است که از طریق ارائه مشاوره‌های تخصصی در زمینه‌ی یادگیری، آموزش و برنامه‌درسی به مدیر، معلم، فراگیر و والدین در صدد تحقق اهداف برنامه‌درسی و بهبود یادگیری فراگیران است. مشاوره برنامه‌درسی پلی است برای " تقویت تعامل بین نظریه و عمل برنامه درسی " (راگا^۲ و هلبوویتش^۳، ۲۰۰۳)، با تاکید بر یادگیرنده و فرایند یادگیری او. در این فرایند تلاش بر آن است تا با هماهنگ نمودن عناصر مختلف برنامه‌درسی از قبیل هدف، محتوا، روش آموزش و ارزشیابی اهداف برنامه درسی قصد شده تحقق پیدا نماید و تفاوت بین برنامه درسی قصد شده و اجرا شده در حالت حداقلی قرار گیرد. به نظر می‌رسد این امر به تحقق فلسفه اصلی و هدف غایی تعلیم و تربیت که رشد همه جانبه و بالندگی فردی

1. <http://www.tabnak.ir/fa/news//۴۶۱۶۱۴>

2. Mkandawire

3. Wraga

4. Hlebowitsh

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

(کاسل^۱، ۲۰۰۵) است نیز کمک می‌نماید. مشاوره برنامه‌درسی می‌توانند با هماهنگ نمودن نیازها، علائق و استعدادهای یادگیرندگان با برنامه‌های درسی و کمک به آنان در شناسایی مسیر مناسب تحصیلی و آموزشی به این امر نائل آیند.

به طور حتم میزان کارایی و مقبولیت این مفهوم به عنوان یک حوزه‌ی مطالعاتی و عملی در رشته‌ی مطالعات برنامه‌درسی بستگی به پذیرش آن از طرف متخصصان رشته‌ی برنامه‌درسی و خردمندان این حوزه دارد، تا هم مورد جرح و تعدیل و اصلاح قرار گیرد و هم مقبولیت و عدم مقبولیت آن بررسی شود. در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه‌ی برنامه‌درسی و صاحبان تجربه در حوزه‌ی فعالیت‌های مشاوره برنامه‌درسی (با تعریف گفته شده) مورد بررسی قرار گیرد و چگونگی مواضع آنان نیز شناسایی و تشریح شود. به‌طورکلی سوالات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشند:

مواضع صاحب‌نظران در رابطه با طرح گرایش مشاوره برنامه‌درسی در حوزه مطالعات برنامه‌درسی چیست؟

دلایل موافقان و مخالفان مفهوم مشاوره برنامه‌درسی کدام‌اند؟

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی و از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است. مکان پژوهش شهر تهران بوده و جامعه پژوهش شامل متخصصان و صاحب‌نظران در زمینه برنامه‌درسی همچنین کسانی که در زمینه موضوع پژوهش تجربه عملی دارند می‌باشد. تعداد شرکت‌کننده‌های پژوهش ۱۴ نفر می‌باشند که از آنان مصاحبه به عمل آمده است. تعیین تعداد نمونه‌ها بر اساس اشباع اطلاعاتی محقق صورت گرفت. شرکت‌کنندگان پژوهش بر اساس رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای^۲ و به صورت شیوه گلوله برفی^۳ انتخاب شدند. در بحث سنجش اعتبار پژوهش، سوالات مصاحبه بر اساس اهداف پژوهش طراحی شدند و سپس به منظور اعتباریابی توسط ۴ تن از اساتید متخصص در حوزه مربوطه مورد اصلاح و تایید قرار گرفتند. به منظور ثبت مصاحبه‌ها، همه‌ی مصاحبه‌های انجام شده به صورت صوتی ضبط گردید. سپس مصاحبه‌های ضبط شده توسط خود پژوهشگر به دقت گوش داده شد و کلمه به کلمه نوشته شد. بعد از اینکه مصاحبه‌های ضبط شده به صورت مکتوب درآمد برای تایید روایی مصاحبه‌ها از روش "چک

1 . Cassell

2. Chain Sampling

3 . Snowball sampling

محمدتقی رودی ، دکتر کوروش فتحی واجارگاه ، دکتر محبوبه عارفی ، دکتر مسعود شریفی

اعضا" استفاده شد، بدین ترتیب که متن مکتوب مصاحبه برای شرکت کنندگان فرستاده شد تا صحت و سقم مطالب تایید و یا اصلاح گردد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش تحلیل مضمونی براون و کلارک^۲ (۲۰۰۶) صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش به ارائه یافته‌های پژوهش می‌پردازیم. یافته‌ها در قالب سوالات مورد نظر پژوهش ارائه می‌شود. بدین ترتیب، در بخش اول به بحث در رابطه با مواضع صاحب‌نظران شرکت کننده در پژوهش در مورد مفهوم مشاوره برنامه‌درسی می‌پردازیم؛ سپس در بخش دوم به بیان دلایل شرکت‌کنندگان در مورد موضع گیری‌های بیان شده پرداخته می‌شود.

مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش مشاوره برنامه‌درسی در حوزه مطالعات برنامه‌درسی چیست؟

موافقان: گروهی از شرکت‌کنندگان بر این باورند که طرح گرایش یا حوزه مطالعاتی مشاوره برنامه‌درسی موجه و حتی ضروری می‌باشد. آنان می‌گویند طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی می‌تواند در شرایط حاضر مفید واقع شود. شرکت‌کنندگان پژوهش معتقدند "شاید یک حلقه‌ی مفقوده‌ی بسیار مهمی که بین برنامه‌درسی قصد شده و برنامه‌درسی کسب شده ما وجود دارد و به ماهیت فعال یادگیرندگان بر می‌گردد قطعاً نیازمند به یک نقش تعریف شده‌ای با عنوان "مشاوره برنامه‌درسی" است" (A.1. 1. 11). شرکت‌کنندگان دیگری نیز بر همین موال به اهمیت طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی اشاره می‌کنند و آن را در راستای تحقق اهداف برنامه‌های درسی اثر گذار می‌دانند.

موافقان مشروط: گروه دیگری از شرکت‌کنندگان نیز ابراز می‌دارند در صورتی با طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی موافق هستند که ضعف‌ها و چالش‌های آن (که در بخش بعد به آن‌ها اشاره خواهد شد) اصلاح گردد. در غیر این صورت نمی‌تواند مفید واقع شود. یکی از شرکت‌کنندگان طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی را منوط به تلفیق آن با مشاوره تحصیلی می‌داند و می‌گوید " به نظر من آنقدر وسیع نیست که حتی به‌عنوان یک گرایش مطرح شود، بلکه می‌تواند بعنوان بخشی از مشاوره مدرسه یا مشاوره تحصیلی در نظر گرفته شود." (A.2. 6. 3). در جای دیگر "اجتناب از بلند پروازی" (A.2. 8. 37) در این زمینه مورد تاکید قرار می‌گیرد.

¹ . Member Check

².Braun & Clarke

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

مخالفان: این دسته از شرکت‌کنندگان به‌طور کلی با طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی مخالفاند و معتقدند در شرایط حاضر نیازی به طرح این مفهوم نیست و حل مسائل و مشکلات موجود را بایستی در جالی دیگر (مشاوره، روانشناسی و ...) جستجو کرد. یکی از شرکت‌کنندگان در این باره می‌گوید " بسیاری از دانش‌آموزان و معلمان با مشکلاتی در رابطه با مسائل آموزشی و تحصیلی مواجه هستند ولی این بدان معنا نیست که نیاز است یک حوزه‌ی تازه‌ی مطالعاتی به وجود آید." (A.2. 7. 1). این شرکت‌کنندگان معتقدند که در حال حاضر مطرح نمودن مفهوم مشاوره برنامه‌درسی ضرورتی ندارد و "راه حل مشکلات موجود را باید در جای دیگری جستجو کرد" (A. 3. 11. 6).

دلایل موافقان و مخالفان مفهوم مشاوره برنامه‌درسی کدام‌اند؟

- دلایل موافقان مشاوره برنامه‌درسی چیست؟

در این بخش به بحث و بررسی دلایل و استدلال‌های موافقان برنامه‌درسی می‌پردازیم. این دسته از شرکت‌کنندگان معتقدند که مشاوره برنامه‌درسی از جایگاه و ضرورت لازم برخوردار است و بایستی در قلمرو مشاوره برنامه‌درسی مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. به‌صورت کلی برخی از شرکت‌کنندگان بر این عقیده‌اند که اصلاً بحث یادگیری و آموزش به صورت ذاتی یکی از مباحث اصلی در حوزه رشته‌ی مطالعات برنامه‌درسی است که در سال‌های اخیر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است که در این قرائت از مفهوم مشاوره برنامه‌درسی، این مفهوم یک قلمرو جهانشمول و اصلی در حیطه‌ی مطالعات برنامه‌درسی است. برخی دیگر نیز ضرورت بحث و ورود رشته‌ی مطالعات برنامه‌درسی را ناشی از شرایط و وضعیت آموزشی کشور ما و مشکلات مبتلابه آموزشی در زمینه‌ی یادگیری و موفقیت تحصیلی فراگیران می‌دانند. در این دیدگاه مفهوم مشاوره برنامه‌درسی یک بحث بومی و محلی می‌باشد. در ادامه به بررسی مفصل‌تر دلایل موافقان طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی در حوزه‌ی مطالعات برنامه‌درسی پرداخته می‌شود:

مشاوره برنامه‌درسی به‌عنوان یک حوزه مغفول در حوزه مطالعات برنامه‌-

درسی: برخی از شرکت‌کنندگان معتقدند که مشاوره برنامه‌درسی اساساً یکی از قلمروهای موضوعی رشته مطالعات برنامه‌درسی است و فراگیر و یادگیری او باید محور فعالیت‌ها و پژوهش‌های برنامه‌درسی قرار گیرد و چنانچه امروزه به این مسئله به اندازه کافی پرداخته نمی‌شود، مشکلی است که نه به ماهیت رشته، بلکه به متخصصان و پژوهشگران این رشته مطالعاتی مربوط می‌شود. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید " رشته‌ی مطالعات برنامه‌درسی به صورت ذاتی به دنبال بهترین روش‌ها و

شیوه‌های تدریس و آموزش بوده است. یعنی بر آن بوده است تا بهترین روش‌های آموزش و تدریس را پیدا کند و یادگیرندگان را با این شیوه‌ها آموزش دهد و میزان یادگیری آنان را از این طریق افزایش دهد. پس می‌توان گفت مشاوره برنامه‌درسی یکی از حوزه‌های برنامه‌درسی بوده است که در حال حاضر مورد غفلت واقع شده است" (A.1. 5. 12). آنان معتقدند این حوزه از رشته‌ی مطالعات برنامه‌درسی بایستی مجدداً مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت وجود مشاوره برنامه‌درسی به منظور کمک به ارتقای عملکرد معلمان:

برخی از شرکت‌کنندگان از نیازهای معلمان و مربیان در مدارس و مراکز آموزشی سخن به میان می‌آورند و معتقدند منبع و مرجعی برای پاسخ به این نیازها وجود ندارد. به‌عنوان مثال معلمان اغلب در زمینه‌ی روش‌های تدریس، روش‌های ارزشیابی، مدیریت کلاس و هماهنگ نمودن این عناصر با یکدیگر نیاز به دریافت مشورت و راهنمایی دارند. این امر در صورتی است که منبع یا مرجع مشخصی برای ارائه این قبیل خدمات وجود ندارد. " در برخی زمینه‌ها مثل ارائه مشاوره‌های آموزشی به معلمان در زمینه‌ی روش‌های تدریس و ارزشیابی کمبودهایی وجود دارد. ما الان در مدارس کسی را نداریم که به معلمان در این رابطه کمک کند" (A.1. 4. 4). معلمان اغلب در رابطه با انتخاب روش‌های مختلف آموزش و یادگیری و همچنین روش‌های ارزشیابی با چالش روبرو هستند. دوره‌های آموزش ضمن خدمت هم که برگزار می‌شود اولاً که جامع نیست، ثانیاً اگر به صورت پراکنده هم برگزار می‌شود از کیفیت چندانی برخوردار نیست. در دوره‌های آموزش ضمن خدمت هم نمی‌توان این کار را کرد. زیرا این دوره‌ها فرمالیته دارد انجام می‌شود. دوره‌های ضمن خدمت الان واقعا فرمالیته است و فقط بحث امتیاز گرفتن است" (B.1. 12. 13). در صورتی که معلمان نیاز دارند تا به صورت مداوم و تخصصی در رابطه با روش‌ها تدریس، آموزش، ارزشیابی، مدیریت کلاس درس، و چالش‌های مربوط به برنامه‌های درسی و عناصر آن مشاوره و راهنمایی دریافت نمایند. شرکت‌کنندگان معتقدند این امر در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که فردی به‌عنوان مشاوره برنامه‌درسی در مدارس و مراکز آموزشی حضور داشته باشد و خدمات مربوط در زمینه‌ی برنامه‌های درسی را ارائه نماید.

ضرورت وجود حوزه‌ی مطالعاتی مشاوره برنامه‌درسی به منظور کمک به ارتقای

یادگیری فراگیران: از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش بخشی از دلایل و ضرورت‌های طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی مربوط به نیازهایی است که دانش‌آموزان دارند. مشاور برنامه‌درسی از یک طرف می‌تواند فراگیران را در رابطه با برنامه‌درسی توجیه کند و به نوعی آنان را برای یادگیری برنامه‌درسی قانع نمایند. یکی از شرکت‌کنندگان در این

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

زمینه می‌گوید "مشاور برنامه‌درسی می‌تواند یادگیرندگان را قانع نماید که برنامه‌های درسی برای آنان ارزش یادگرفتن را دارد. باید آنان را در این زمینه مطمئن نماید تا انگیزه‌ی کافی در فراگیران برای یادگیری برنامه‌درسی به وجود آید" (B.1. 13. 10). در حال حاضر برخی از فراگیران ارتباط برنامه‌درسی با زندگی خود را نمی‌دانند و به همین سبب نیز یادگیری و پیمودن مسیر برنامه‌های درسی را ضروری نمی‌دانند. مشاوره برنامه‌درسی می‌تواند این ارتباط را برقرار نماید و آنان را به یادگیری برنامه‌های درسی مجاب کند. یکی از شرکت‌کنندگان اشاره می‌کند "مشاوران برنامه‌درسی باید به یادگیرندگان کمک کنند تا بین نیازها و علائق خود با محتوا و برنامه‌های درسی مکتوب و مصوبی که برای کار در آموزش و پرورش فراهم شده است و برای ارتقای تحصیلی مدنظر هست، یک ارتباط معنادار برقرار نمایند" (A.1. 1. 5). از طرف دیگر "هماهنگی بین محتوا، روش‌های تدریس، روش‌های ارزشیابی، و روش‌های مطالعه" (B.2. 15. 8) نیز نیاز به هدایت و راهنمایی دارد و ارجح آن است که کسی که این نوع مشاوره را انجام می‌دهد دانش برنامه‌درسی را داشته باشد. مشاوره برنامه‌درسی می‌تواند به فراگیران کمک کند تا روش‌های مطالعه خود را با شیوه‌های ارزشیابی و همین‌طور محتوا و موضوع درسی هماهنگ نماید.

ضرورت وجود حوزه‌ی مطالعاتی مشاوره برنامه‌درسی به منظور هماهنگی فعالیت‌های عوامل مدرسه و تحقق اهداف برنامه‌درسی: شرکت‌کنندگان معتقدند در حال حاضر هماهنگی بین فعالیت‌های عوامل مختلف آموزش از قبیل معلم، مدیر، مشاور، و ... وجود ندارد. تا جایی که گفته می‌شود هر یک از این عوامل بدون ارتباط با دیگران کار خودش را انجام می‌دهد و به بیانی هر کسی ساز خودش را می‌زند. این نوع فعالیت‌ها و اقدامات بی‌ارتباط و ناهماهنگ باعث هدر رفت انرژی و منابع می‌شود و اهداف برنامه‌درسی نیز محقق نمی‌گردد. شرکت‌کنندگان در پژوهش معتقدند مشاوران برنامه‌درسی می‌توانند: "... به معلمان (و عوامل مدرسه) کمک کند تا با برنامه‌درسی هم‌نوا شوند و هر کسی ساز خودش را نزند" (B.1. 12. 47). مشاوره برنامه‌درسی می‌تواند فعالیت‌ها و اقدامات هر یک از این عوامل را در جهت تحقق اهداف برنامه‌درسی هماهنگ نماید و حتی مشکلات و مسائل بخش‌های مختلف را از طریق ایجاد هم‌افزایی و همکاری میان اعضای گروه حل‌وفصل نماید. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان معتقد است: "اصلاً به طور کلی وجود مشاور برنامه‌درسی برای کل سیستم مدرسه و هماهنگی برنامه‌های درسی آن لازم است. مشاور برنامه‌درسی می‌تواند در فعالیت‌هایی که عوامل مختلف مدرسه در قالب برنامه‌های درسی انجام می‌دهند نوعی هماهنگی به وجود بیاورد" (A.1. 3. 5).

-دلایل موافقان مشروط مشاوره برنامه درسی چیست؟

گروهی از شرکت‌کنندگان طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی را به صورت کامل نمی‌پذیرند و پذیرش آن را منوط به برخی شروط و پیش‌بایسته‌ها می‌دانند. اینان معتقدند طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی بایستی در راستای حل‌وفصل عملی مشکلات و مسائل باشد و نسبت به شرایط موجود نگاهی واقع‌بینانه داشته باشد. نباید در رابطه با طرح این مفهوم آن‌قدر بلندپروازی کرد که عملی شدن آن به طور کلی غیر ممکن گردد؛ و از طرف دیگر نباید آنقدر نگاه جزئی و سطحی‌نگری در این زمینه داشت که به راحتی در رشته‌های و حوزه‌های مطالعاتی دیگر هضم گردد.

تبیین دقیق مسئله و شفاف‌سازی مفهوم مشاوره برنامه‌درسی: برخی از شرکت‌کنندگان معتقدند با توجه به مسائل و چالش‌هایی که در حوزه‌ی یاددهی- یادگیری در مدارس و مراکز آموزشی وجود دارد؛ چه در رابطه با نیازها و کمبودهای معلمان و مدیران و چه فراگیران و والدین، طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی ضروری به نظر می‌رسد. ولی باید مسئله و حوزه‌ی این مفهوم به دقت بررسی و مشخص گردد زیرا عدم تشخیص و تحدید دقیق مسئله باعث فعالیت‌ها و اقدامات پراکنده می‌شود و ممکن است نه تنها از بار مشکلات موجود نکاهد، بلکه مشکلات تازه‌ای را نیز بر مشکلات پیشین بیافزاید. یکی از شرکت‌کنندگان در این رابطه می‌گوید: "اینکه ما چه مسئله‌ای در مدرسه داریم، مشکلاتمان در آنجا چیست و چه مسائل و شکاف‌هایی در مدارس وجود دارد که برنامه-درسی با شرایط و قلمروهای موجود نتوانسته به آن کمک کند و حالا می‌خواهیم از مشاوره برنامه‌درسی حرف بزنیم و این حوزه یا فیلد کاری را مفهوم‌سازی کنیم باید به‌طور دقیق مشخص شود. من می‌خواهم بگویم مسئله شما باید روشن شود و به روشنی بیان گردد. اگر مسئله روشن نباشد، امکان حل مسئله نیز عملی نمی‌شود" (A.1. 2. 8). به نظر می‌رسد عدم تبیین دقیق مسئله و شکاف موجود، به درستی می‌تواند منجر به باقی ماندن نتایج پژوهش در حد نظر و تئوری شده و در بستر آموزشی کشور عملیاتی نشود. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در این رابطه اینگونه اظهار نظر می‌کند: "به نظرم می‌آید ما باید ببینید این مشاوره برنامه‌درسی چه اهدافی دارد و چگونه می‌تواند به این اهداف برسد. آیا می‌تواند به نیازها پاسخ دهد. آیا نیازهای جدید ایجاد می‌کند یا در سطح انگیزه است. آیا انگیزه در فراگیر ایجاد می‌کند یا به نیازهای فراگیر پاسخ می‌دهد یا مثلا نیازهای جدید ایجاد می‌کند" (A.3. 10. 11).

- **تبیین تمایز مطالعاتی مشاوره برنامه‌درسی و مشاوره تحصیلی:** مسئله‌ی مهم دیگری که وجود دارد مربوط به تداخل احتمالی و ابهام در تمایز بین مشاوره تحصیلی و مشاوره برنامه‌درسی است. یکی از شرکت‌کنندگان این‌گونه می‌گوید: "من فکر می‌کنم اول

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

باید تفاوت بین مشاوره برنامه‌درسی و مشاوره تحصیلی را مشخص نمایید و قلمروها و حوزه‌های عمل هر یک از این رشته‌های علمی و دانشگاهی را مشخص کنید و دقیقاً بگوییم که مشاوره برنامه‌درسی می‌خواهد چه کاری را انجام دهد" (B.1. 13. 7). این مفاهیم ممکن است با یکدیگر مشتبه شوند؛ به طوری که برخی با ارجاع به همین مسئله طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی را غیر ضروری می‌دانند. گروهی از شرکت‌کنندگان، یکی از پیش‌نیازها و شروط اصلی برای طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی را تبیین تفاوت آن با مشاوره تحصیلی می‌دانند. آنان معتقدند قبل از هر چیزی باید به تمایز این دو مفهوم پرداخت و حدود و مرزهای فعالیت آنان و حتی ارتباط متقابل آن دو را تبیین نمود.

بحث مشاوره برنامه‌درسی به عنوان یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای (روانشناسی، مشاوره و مطالعات برنامه‌درسی) و نه صرفاً در حوزه برنامه‌درسی: بحث مشاوره برنامه‌درسی به عنوان یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای (روانشناسی، مشاوره و مطالعات برنامه‌درسی) و نه صرفاً در حوزه برنامه‌درسی: برخی از شرکت‌کنندگان معتقدند طرح مفهوم مشاوره برنامه‌درسی از جایگاه و ضرورت برخوردار است ولی نایستی صرفاً به‌عنوان یک قلمرو در حوزه‌ی مطالعاتی برنامه‌ریزی درسی مطرح شود، بلکه بایستی به‌عنوان یک مفهوم یا زمینه‌ی پژوهشی و کاری میان‌رشته‌ای در حوزه‌ی رشته‌های روانشناسی، مشاوره، برنامه‌ریزی درسی مطرح شود " به نظرم ... مشاوره برنامه‌درسی می‌تواند به‌عنوان یک مهارت در دل مشاوره‌ی تحصیلی یا مشاوره مدرسه مطرح شود" (A.2. 6. 11). آنان معتقدند اساس و بنیان این مفهوم در روانشناسی و مشاوره بوده و بهتر است به‌عنوان یکی از حوزه‌های کاری مشاوره یا روانشناسی یا حداقل به‌عنوان یک مبحث میان‌رشته‌ای مطرح گردد. یکی از شرکت‌کنندگان بر این باور است که " موضوع دیگری که وجود دارد بخش زیادی از مسائلی که شما عنوان کردید در حوزه‌ی علم روانشناسی تربیتی و مشاوره قرار دارد. بهتر است این علوم وارد شوند و در رابطه با مشکلات آموزشی و یادگیری به بررسی بپردازند" (B.2. 15. 3). بر این اساس، آنان استدلال می‌کنند که مشاوره برنامه‌درسی می‌تواند به‌عنوان یک حوزه کاری و پژوهشی در قالب رشته‌ی مشاوره تحصیلی یا مدرسه و یا روانشناسی یادگیری و برنامه‌درسی مطرح شود و نباید اصرار بر طرح آن در حوزه‌ی مطالعات برنامه‌درسی باشد.

-مخالفان مشاوره برنامه‌درسی چه می‌گویند؟

در این بخش به بحث دلایل و استدلال‌های مخالفان مفهوم مشاوره برنامه‌درسی می‌پردازیم. این گروه از شرکت‌کنندگان معتقدند که ضرورتی برای ایجاد و مفهوم‌سازی مشاوره برنامه‌درسی وجود ندارد و نایستی از این مفهوم به‌عنوان یک رشته مطالعاتی یا یک گرایش یا

حتی یک زمینه‌ی کاری در قالب رشته مطالعات برنامه‌درسی سخن گفت. این گروه از شرکت-کنندگان خود بر دو دسته‌اند. برخی معتقدند اساسا خلای که باعث شده است تا از مفهومی با نام مشاوره برنامه‌درسی سخن به میان آید وجود ندارد یا مسئله درست تشخیص داده نشده‌است؛ دسته‌ای دیگر نیز معتقدند این خلا و شکاف در حوزه‌ی آموزش و یادگیری وجود دارد و حتی ممکن است مشکلات و چالش‌های دیگری هم در زمینه‌ی آموزش و یادگیری رسمی و مدرسه‌ای وجود داشته باشد، ولی ضرورتا راه حل این مشکلات طرح یک مفهوم تازه با عنوان مشاوره برنامه‌درسی نیست. در ادامه مباحث به تفصیل در رابطه با این دلایل می‌پردازیم.

عدم وجود خلا و ضرورت عملی برای طرح حوزه‌ی مطالعاتی مشاوره برنامه-

درسی: برخی از شرکت‌کنندگان در پژوهش معتقدند اساسا ضرورتی برای طرح مشاوره برنامه‌درسی به‌عنوان یک حوزه‌ی مطالعاتی ذیل رشته‌ی مطالعات برنامه‌درسی در آموزش عالی وجود ندارد و آنچه به‌عنوان خلا و شکاف در وضعیت آموزش و یادگیری در مدارس و آموزش؛ به‌عنوان زمینه‌های عملی طرح مشاوره برنامه‌درسی بیان شده است، حاکی از عدم شناخت درست مسئله می‌باشد. یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید "واقعیت این است من با شما هم عقیده نیستم و خلاها و مشکلاتی که شما اشاره می‌کنید را اساسا واقعی و نشان دهنده‌ی ضعف یا یک شکاف در شرایط آموزشی و تربیتی کشور نمی‌دانم. به نظرم در همه‌ی کشورها اینطور هست که برخی افراد و دانش‌آموزان برای به دست آوردن یادگیری بهتر و شیوه‌های یادگیری اثربخش‌تر به مراکز تخصصی مراجعه می‌کنند. این معنایش این نیست که مدارس و نظام آموزشی ما مشکل دارد بلکه نظام آموزشی کار خودش را انجام می‌دهد ولی برخی افراد به خدمات بیشتری نیاز دارند. شاید بتوان گفت آن مراکز تخصصی که ما انتظار داریم واقعا خدمات تخصصی ارائه دهند به معنای واقعی وجود ندارد و کار تخصصی انجام نمی‌دهند" (A.3.11.12). اینان می‌گویند مسئله مورد نظر درست صورت‌بندی نشده است و "بایستی با دقت و شواهد تجربی و نظری و به صورت پژوهشی صورت‌بندی شود" (A.3. 10. 14). از نظر این گروه از شرکت‌کنندگان نیازهای موجود در زمینه‌ی یادگیری و آموزش برای معلمان، دانش‌آموزان و مدیران یا به معنای واقعی نیاز نیستند و شبه نیاز هستند که در اثر تبلیغات و جو غلط حاکم بر نظام آموزشی به وجود آمده‌اند؛ مانند آنچه در رابطه با موسسات کنکوری و مراجعه‌ی دانش‌آموزان وجود دارد، یا به معنای واقعی نیاز هستند و در حال حاضر راه حل و ساز و کار لازم برای رفع این نیازها و مشکلات وجود دارد؛ مانند نیاز معلمان به دریافت هدایت و مشاور در زمینه‌ی روش‌های تدریس، که دوره‌های آموزش ضمن خدمت این نیاز را برای آنان بر آورده می‌نماید. اینان معتقدند چنانچه در رابطه با مسائل مذکور کاستی یا

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

نارسایی وجود دارد بایستی دلایل اصلی آن را جستجو نمود تا مشخص شود که کدام قسمت یا بخش مسئول وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهد و بدین طریق مشکلات را برطرف نمود.

مشاوره برنامه درسی بعنوان بخشی از قلمرو مشاوره تحصیلی: برخی دیگر از شرکت‌کنندگان معتقدند که طرح موضوع مشاوره برنامه‌درسی ضرورتی ندارد، به این دلیل که با مشاوره تحصیلی، روانشناسی تربیتی و یادگیری و وظایف و حیطه‌ی آن تداخل می‌نماید. اینان برخلاف موافقان مشروط مشاوره برنامه‌درسی کارکرد و ضرورتی جدا برای مشاوره برنامه‌درسی قایل نیستند و بر این باوراند که حل‌وفصل مشکلات و مسائل موجود در فرایند یادگیری و آموزش مدارس و مراکز آموزشی در حیطه‌ی وظایف مشاوران برنامه‌درسی و روانشناسان یادگیری است و طرح یک مفهوم تازه؛ و در نتیجه ایجاد یک شغل جدید، موجب تداخل امور و ایجاد ناهماهنگی‌های تازه خواهد شد. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید "حالاها و مشکلات موجود بیشتر به این دلیل است که در رشته‌های مشاوره تحصیلی و روانشناسی یادگیری، به اندازه کافی به موضوع کاستی‌های یادگیری دانش‌آموزان و فراگیران پرداخته نشده است. باید روانشناسی یادگیری به هماهنگ نمودن روش‌های تدریس و ارزشیابی و مطالعه بپردازد. اگر کم و کاستی در این زمینه وجود دارد به این معنا نیست که بایستی حوزه و مفهوم تازه‌ای مطرح شود، بلکه این یک ضعف در رشته‌های روانشناسی و مشاوره است و باید برطرف گردد. به هر حال نیاز به مطرح شدن مشاوره برنامه‌درسی نیست" (B.1. 13. 14). از نظر این شرکت‌کنندگان مباحث مربوط به مشاوره برنامه درسی بایستی در قلمرو مطالعاتی مشاوره تحصیلی روانشناسی یادگیری، و نه به صورت جداگانه، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. شرکت‌کننده‌ی دیگری نیز این موضوع را مد نظر قرار می‌دهد و معتقد است که رشته‌های مرتبط مثل روانشناسی، مشاوره، برنامه‌درسی و مدیریت آموزشی اگر وظایف خود را به درستی انجام دهند دیگر شاهد مشکلات فعلی در زمینه‌ی یادگیری و پیامدهای آن نخواهیم بود "به نظرم این خلاها ناشی از این است که حوزه‌های علمی موجود در حال حاضر نتوانسته‌اند وظایف خود را به درستی انجام دهند و دارای نواقصی هستند. مثلاً اگر مشاوره و روانشناسی و مدیریت آموزشی و و برنامه‌درسی ضعف‌ها و نواقص خود را جبران نماید دیگر ما شاهد این مشکلات نخواهیم بود" (A.2. 7. 2).

به‌طورکلی در پاسخ به سوالات پژوهش، یعنی مواضع و نظرات صاحب‌نظران و متخصصان در رابطه با مفهوم مشاوره برنامه درسی و علل اظهار شده توسط آنان در زمینه‌ی این موضع گیری‌ها در جدول (۱-۱) زیر ارائه شده است.

جدول ۱-۱: مواضع صاحب‌نظران در رابطه با طرح موضوع مشاوره برنامه‌درسی به‌عنوان یک حوزه‌ی

مطالعاتی ذیل رشته مطالعات برنامه‌درسی

موضوع	دلایل
موافقان	<ul style="list-style-type: none"> - مشاوره برنامه درسی به‌عنوان یک حوزه مغفول در حوزه مطالعات برنامه درسی - ضرورت وجود مشاوره برنامه درسی به منظور کمک به ارتقای عملکرد معلمان - ضرورت مشاوره برنامه درسی به منظور کمک به ارتقای یادگیری فراگیران - ضرورت مشاوره برنامه درسی به منظور هماهنگی فعالیت های عوامل مدرسه و تحقق اهداف برنامه درسی
موافقان مشروط	<ul style="list-style-type: none"> - تبیین دقیق مسئله و شفاف سازی مفهوم مشاوره برنامه درسی - تبیین تمایز مطالعاتی مشاوره برنامه درسی و مشاوره تحصیلی - بحث مشاوره برنامه درسی به عنوان یک حوزه ی میان رشته ای (روانشناسی، مشاوره و مطالعات برنامه درسی) و نه صرفا در حوزه برنامه درسی
مخالفان	<ul style="list-style-type: none"> - عدم وجود خلا و ضرورت عملی برای طرح مفهوم مشاوره برنامه درسی - مشاوره برنامه درسی به‌عنوان بخشی از قلمرو مشاوره تحصیلی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مواضع صاحب‌نظران و متخصصان در رابطه با امکان ایجاد حوزه‌ی مطالعاتی مشاوره برنامه‌درسی در ذیل رشته‌ی مطالعات برنامه‌درسی مورد بررسی قرار گرفت و دلایل هر کدام از موضع‌گیری‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. مشاوره برنامه‌درسی در پی آن است تا اصلاح فرایند یادگیری، ارتقای سطح یادگیری و بالطبع بهبود روش‌های یاددهی-یادگیری را به عنوان نقطه‌ی تمرکز و محوری در فعالیت‌های برنامه‌ریزی درسی مد نظر قرار دهد، و چنان‌که جکسون (۱۹۹۲) در رابطه با مفهوم مشاوره برنامه‌درسی تأکید می‌کند، بین نظر و عمل برنامه‌درسی ارتباط برقرار نماید. این قرائت از برنامه‌درسی به قرائت ریشه‌ای و اصیل از حوزه مطالعات برنامه‌درسی نزدیک می‌شود. برنامه‌درسی به‌عنوان یک حوزه پژوهشی و مطالعه علمی، بر اساس فلسفه پیشرفت‌گرایی دیوئی، که رویکردی فراگیر محور به فرایند یادگیری داشت، بنا شده است و فرض بر آن است که محتوا و تجارب یادگیری در مدارس بایستی بر نیازها و علائق یادگیرنده متمرکز باشد (بیکر، ۲۰۰۶). همانطور که از یافته‌های پژوهش حاضر نیز به دست می‌آید مشاور برنامه‌درسی می‌تواند در راستای متمرکز نمودن فعالیت‌های برنامه‌درسی و برنامه‌ریزان درسی بر

¹ . Baker

بررسی مواضع صاحب‌نظران در رابطه با ایجاد گرایش...

روی اهداف برنامه‌درسی و ارتقای یادگیری فراگیران نقش موثری ایفا نماید. البته این امر به شرطی محقق می‌گردد که مسئله یا به گفته‌ی دیگر مسائل و حوزه‌ی عمل مشاوره برنامه‌درسی به درستی تشریح و روشن گردد. عدم تشریح حوزه‌ی عمل و تبیین دقیق مسائل مورد نظر ممکن است موجب تداخل این حوزه با حوزه‌های مطالعاتی هم‌جوار از قبیل روانشناسی و مشاوره گردد و بدین ترتیب به پراکندگی فعالیت‌ها و هدر رفت تلاش‌های مشاوران و متخصصان برنامه درسی منجر شود. شناسایی قلمروهای تازه و توضیح و تبیین دقیق آن‌ها و واقع بینی در این زمینه توسط راگا^۱ و هلبوویتش^۲ (۲۰۰۳) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. آنان در موضوع رنسانس برنامه‌درسی به این مسئله پرداخته‌اند و معتقدند رنسانس برنامه‌درسی باید تبدیل به یک تحول فکری در راستای تحقق اهداف برنامه‌درسی شود. این امر می‌تواند در برگزیده تجدید حیات یادگیری تدریجی و اصلاحات آموزشی به سوی روندهای نوظهور در رشته‌ی نظریه‌ی برنامه‌درسی باشد. پژوهشگران برنامه‌درسی بایستی از نگاه ایده‌آل‌گرایی در برنامه‌درسی چشم‌پوشی کنند، مرزها را به روشنی تعریف نمایند، رشته‌ی برنامه درسی را به صورت آگاهانه بر روی بقایا و میراث سازنده آن بنا نهند، و تعامل بین نظریه و عمل برنامه‌درسی را تقویت نمایند.

موضوع دیگری که مورد توجه می‌باشد این است که مفهوم مشاوره برنامه‌درسی و فعالیت‌های آن نبایستی صرفاً به‌عنوان یک خودنمایی یا مد علمی، و به اصرار، محدود به یک حوزه‌ی علمی خاص تلقی شود. در این رابطه بهتر است مسئله-محور و هدف-محور بودن مورد توجه قرار گیرد؛ بدان معنا که با کمک گرفتن از حوزه‌های مختلف علمی و همچنین متخصصان حوزه-های گوناگون حل مشکلات و مسائل مربوط به یادگیری و آموزش مورد تمرکز و تأکید قرار گیرد. در این راستا حوزه‌هایی نظیر روانشناسی، مشاوره، مدیریت آموزشی و حتی جامعه‌شناسی هم می‌تواند به منظور تحقق اهداف مشاوره برنامه‌درسی یاری‌دهنده باشد. قشری‌نگری و محدود نمودن موضوع اصلی مشاوره برنامه‌درسی به یک حوزه‌ی علمی خاص باعث می‌شود تا اهداف اصلی آن در حاشیه قرار گرفته و کم‌کم به یک حوزه‌ی صرفاً نظری و شعار زده بدل گردد.

در همین راستا و به منظور رسیدن به اهداف مشاوره برنامه‌درسی و بهبود روش‌های یاددهی-یادگیری و ارتقای سطح یادگیری فراگیران، و همچنین تحقق اهداف برنامه‌درسی لازم است فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی در این زمینه به سوی دستیابی به بهترین شیوه‌های عمل‌آهدایت شود. باید بهترین شیوه‌های عمل در تدریس، بهترین شیوه‌های ارزشیابی، بهترین شیوه‌های یادگیری، بهترین شیوه‌های آموزش و غیره با توجه به "موضوع" های مختلف درسی و آموزشی، و همین‌طور با توجه به زمینه‌ها و بسترهای برنامه‌درسی و آموزش مورد توجه قرار

1 . Wraga

2 . Hlebowitsh

3 . Best practice

محمدتقی رودی ، دکتر کوروش فتحی واجارگاه ، دکتر محبوبه عارفی ، دکتر مسعود شریفی
گیرد. تنها در این صورت است که نتایج عملی و واقعی مشاوره برنامه درسی قابل مشاهده خواهد
بود.



Baker, B. (1996). The History of Curriculum or Curriculum History? What is the Field and Who Gets to Play on it?, *Curriculum Studies*, 4(1), 105-117, DOI: 10.1080/0965975960040106.

Cassell, M. (2005), *Philosophy of Education*, From <http://www.eduspaces.net/maryc/files>.

Curren, R. (2003) (Ed.) *A Companion to the Philosophy of Education*. Oxford: Blackwell.

Eisner, Elliot W. (1967), Franklin Bobbitt and the "Science" of Curriculum Making, *The School Review*, Vol. 75, No. 1, Seventy-fifth Anniversary Issue (Spring, 1967), pp. 29-47.

Frazier, A. (1948). Reflections of a Curriculum Consultant. *Educational Leadership*, 6, 161-3, December.

Hlebowitsh, P. S. (2005). Generational ideas in curriculum: A historical triangulation. *Curriculum Inquiry*, 35(1), 73-87.

Hlebowitsh, P.S (1992). Amid behavioral and behavioristic objectives: Reappraising appraisals of the Tyler Rationale. *Journal of Curriculum Studies*. 24(6), 533-547.

Jackson, P. W. (1992). Conceptions of curriculum and Curriculum specialists In: *Hanbook of Research on Curriculum: A Project of the American Educational Research Association*, edited by Philip W. Jackson, 3-40, New York: Macmillan Pub. Co.

Lee, J., and Dimmock, C. (2010). Curriculum Leadership and Management in Secondary Schools: A Hong Kong case study. *School Leadership and management*, 19(4), 455-481.

Mkandawire S. B. (2010). Impediments to curriculum implementation in learning institutions. *Circulatory Article for Information Resource*.

Njogu, K. (2012). Conceptualizing the Curriculum: Towards A Renaissance for Theory. *American International Journal of Contemporary Research*, 2(9), September 2012.

Norman R. Dixon (1956). Toward Improving the Function of Curriculum Consultant: *Peabody Journal of Education*, 34(2), 82-88.

Pinar, W. F. (2007). *Intellectual Advancement through Disciplinarity: Verticality and Horizontality in Curriculum Studies*. Rotterdam: Sense Publishers.

Renzulli, S. (2013). *Using Learning and Study Strategies and Counseling Interventions to Improve the Academic Performance of University Students Placed on Academic Probation*. University of Connecticut, *Doctoral Dissertations*. 68. <http://digitalcommons.uconn.edu/dissertations/68>

Reynolds, W. (2010). Curriculum theorizing. In: C. Kridel (Ed.). *Encyclopedia of Curriculum Studies*. London: Sage.

محمدتقی رودی ، دکتر کوروش فتحی واجارگاه ، دکتر محبوبه عارفی ، دکتر مسعود شریفی

Soudami, A., Salehi, K., Foroghi, N., Sayadi, A. (2017), successful and unsuccessful experiences in teaching children social skills and behaviors; Citizenship Education Conference, Curriculum Studies Association, March 16 and 17 [in Persian].

[Tryon](#), Edward P. (1973), Is the Universe a Vacuum Fluctuation? *Nature*, 246, 396–397 (14 December 1973), doi:10.1038/246396a0.

Wittmer, J. (2000). *Managing your school counseling program: K-12 developmental strategies*. Minneapolis, MN: Educational Media.

Wraga, W., and Hlebowitsh, P. (2003). Toward a renaissance in curriculum theory and development in the USA. *Journal of Curriculum Studies*, 35(4), 425–437.

